



## The Analysis of the Logic of Realist Character in Stendhal's Novel of "The Red and The Black" (Le Rouge et le Noir)

Vida Dastmalchi <sup>1\*</sup> | Hossein Taheri <sup>2</sup>

1. Corresponding Author, Assistant Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran.  
Email: dastmalchivida@yahoo.com
2. PhD graduate in Persian language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran. Email: hosseintaheri2013@gmail.com

---

### Article Info

**Article type:**  
Research Article

**Article history:**  
Received: 2020/10/19  
Received in revised form:  
2021/6/8  
Accepted: 2021/6/23

**Keywords:**

Stendhal,  
"The Red and The Black",  
Realism,  
Personality Logic,  
Social and FamilyFactors.

### ABSTRACT

One of the most brilliant realist works of nineteenth-century in France is Stendhal "The Red and The Black", which, according to realist principles, shows the close relationship of society with the individual and the profound effect of this relationship on the destiny of the individual. The main character of the novel, Julien Sorel, son of the Sorel carpenter family, from the lower class, at different stages of his life, tries to make changes and reach the desired conditions with his love, extravagance and rich intelligence , the powerful or influential people destroy the result of his efforts and Julien is forced to choose the second option in the struggle between being weak or rebellious and be executed with a guillotine; A choice that is a completely social and familial algebraic product. This article seeks to analyze the actions and interactions of the main character based on a set of social factors and to draw the logic of a realistic character, based on the description and analysis of the content of the novel. The methodology is descriptive-analytical based on library resources and data analysis.

---

**Cite this article:** Dastmalchi, Vida. & Taheri, Hossein. (2022). The Analysis of the Logic of Realist Character in Stendhal's Novel of "The Red and The Black" (Le Rouge et le Noir). *Journal of Research in Narrative Literature*, 10(4), 65-84.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: 10.22126/RP.2021.5837.1270

---



## تحلیل منطق شخصیت رئالیستی در رمان «سرخ و سیاه» استاندال

ویدا دستمالچی<sup>۱\*</sup> | حسین طاهری<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

رایانامه: dastmalchivida@yahoo.com

۲. فارغ‌التحصیل دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

رایانامه: hosseintaheri2013@gmail.com

### چکیده

### اطلاعات مقاله

یکی از درخشان‌ترین آثار رئالیستی قرن نوزدهم فرانسه، رمان سرخ و سیاه استاندال است که براساس قواعد رئالیستی، رابطه تنگاتنگ جامعه با فرد و تأثیر عمیق این رابطه بر سرنوشت فرد را نشان می‌دهد. شخصیت اصلی رمان، ژولی ین سورل پسر خانواده سورل نجار از طبقه پایین است که در مقاطع مختلف زندگی اش برای ایجاد تغییرات و رسیدن به شرایط مطلوب با عشق، زیاده‌خواهی و هوش سرشارش هرچه تلاش می‌کند، عواملی قوی تر مانند طبقات اشراف، سرمایه‌داران و صاحبان نفوذ، محیط‌های بزرگتر، افراد زورمند یا تأثیرگذار نتیجه تلاش‌های او را نابود می‌کنند و ژولی ین مجبور می‌شود در جدال بین ضعیف ماندن یا طغیان کردن، گزینه دوم را انتخاب کند و با گیتوین اعدام شود. نتایج تحلیل نشان می‌دهد انتخاب شخصیت رئالیستی محصول جبری کاملاً اجتماعی و خانوادگی است. هدف پژوهش تحلیل کنش‌ها و انفعالات شخصیت اصلی براساس مجموعه عوامل اجتماعی و ترسیم منطق شخصیت رئالیستی، بر پایه توصیف و تحلیل محتوای رمان است. روش مطالعه در این پژوهش توصیفی تحلیلی و بر مبنای منابع کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌هاست.

### نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲

### واژه‌های کلیدی:

استاندال

سرخ و سیاه

رنالیسم

منطق شخصیت

عوامل اجتماعی و خانوادگی

**استناد:** دستمالچی، ویدا و طاهری، حسین (۱۴۰۰). تحلیل منطق شخصیت رئالیستی در رمان «سرخ و سیاه» استاندال. پژوهشنامه

ادبیات داستانی، ۱۰(۴)، ۶۵-۸۴.

ناشر: دانشگاه رازی



حق مؤلف © نویسندگان.

DOI: 10.22126/RP.2021.5837.1270

## ۱. پیشگفتار

ماری-هانری بیل<sup>۱</sup> متخلص به استاندال<sup>۲</sup> در ۱۷۸۳ در گرونبیل فرانسه متولد شد و در ۱۸۴۲ در گذشت. او از پیشوایان رئالیسم در فرانسه و هم‌دوره با اونوره دوبالزاک است. «سرخ و سیاه»، «صومعه پارم»، «وانینا وانینی»، «راهبه کاسترو» و «لوسی‌ین لوون» از آثار داستانی اوست.

مشهورترین اثر استاندال رمان بلند «سرخ و سیاه»<sup>۳</sup> نام دارد، هرچند این اثر در زمان حیات او با استقبال مواجه نشد؛ اما «اینک بیش از اندازه کارش را ارج می‌نهند؛ آن‌هم بیشتر به این علت که امساک در کلام و تجزیه و تحلیل خالی از احساسی که از اشخاص داستان و انگیزه‌های ایشان می‌کند وی را از نظر احساس و شیوه کار به قیافه یک مدرنیست جلوه می‌دهد» (پریستلی، ۱۳۹۱: ۴۹۹). باید توجه داشت که استاندال درباره نام‌گذاری رمان توضیحی نداده است؛ اما او تمایل داشت به رمان‌هایش نامی از رنگ‌ها بدهد. مثلاً رنگ رمان لوسی‌ین لوون سرخ و سفید است. نام رمزآلود سرخ و سیاه ممکن است اشاره‌ای باشد به دو برهه حساس در تاریخ فرانسه؛ سرخ اشاره‌ای است به ناپلئون بناپارت و سیاه اشاره‌ای است به دوران سلطنت که برنشاندۀ کلیسا بود. دو رنگ سرخ و سیاه در مفهوم اولیه‌اش، سیاهی لباس کشیشان است که به خون آغشته شده و به نوعی تأویلی، سرنوشت خونین قهرمان داستان را در زیر تیغه گیوتین به ذهن متبادر می‌کند. در مفهومی دیگر سرخ و سیاه رنگ‌های دو گانه خال‌های ورق یا رولت (نوعی بازی تاس) هستند (de Gandt, 1998: 21) که در این ترکیب، مفهومی از قمار و در معنایی دورتر، بخت و اقبال را یادآوری می‌کنند؛ یعنی بخت و اقبال بد قهرمان داستان را.

مکتب رئالیسم بر مبنای نظریه فیلسوفان جامعه‌گرایی چون جان لاک، که انسان را محصول طبیعی اجتماع می‌داند، در قرن نوزده ادبیات و فلسفه بخش گسترده‌ای از جهان را تحت تأثیر قرارداد. ویژگی‌های اصلی این مکتب در ادبیات، بازنمایی واقعیت اجتماعی، توصیف دقیق جزئیات، توجه به روابط منطقی و علیّ و معلولی بین اجزای رمان، توجه به صحنه‌پردازی و فضاسازی، زمان و مکان تاریخی و جغرافیایی و پرداختن به دغدغه‌های طبقات غیراشرافی بود (سیدحسینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۷۲-۲۷۸).

منظور نگارندگان از منطق شخصیت رئالیستی، الگوهایی است که در طراحی یک شخصیت به کار

1 . Marie-Henri Beyle

2 . Stendhal

3 . Le Rouge et le Noir

گرفته می‌شود، اعم از الگوهای خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، طبقاتی و غیره که برای شخصیت مدلی منطقی پیش‌بینی می‌کند. براساس روابط علیّ و معلولی در اضلاع مختلف این مدل، می‌توان گره‌گشایی حادثه را در زندگی شخصیت اصلی تخمین زد و به «منطق شخصیت رئالیستی» دست یافت. بدیهی است که «برون‌گرایی» تأکیدشده در رئالیسم، نقش عوامل بیرونی و اجتماعی در طراحی این مدل منطقی را بیش از هر عامل دیگری نشان می‌دهد (سیدحسینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۷۷).

استاندال در سال ۱۸۲۹ زمانی که در جنوب فرانسه ساکن بود، پس از گذراندن یک زندگی پر فراز و نشیب سرخ و سیاه را نوشت (ده‌بزرگی، ۱۳۸۷: ۱۸۸) و از آن زمان تاکنون تحلیل‌هایی دربارهٔ استعداد و علایق نویسنده، تکنیک‌های رمان، وقایع تاریخی رمان و موضوعاتی از این قبیل در حوزهٔ ادبیات فرانسه ارائه شده است. از اولین ترجمه‌های سرخ و سیاه به زبان فارسی در سال ۱۳۳۳ به همت عبدالله توکل تا به امروز، (عباسیان، ۱۳۸۹: ۷۴) پژوهش‌های فارسی در حوزهٔ استاندال و رمان مشهورش انگشت‌شمار است. طبق داده‌های سامانهٔ نورمگر، مگیران، ایرانداک و بانک اطلاعات جهاد دانشگاهی، چند مقاله در بررسی ترجمه‌های فارسی از سرخ و سیاه منتشر شده است که موضوع تخصصی آن‌ها، نقد ترجمه است. مقاله‌ای نیز با عنوان «مطالعه تطبیقی نمادهای اسطوره‌ای قهرمان زن در عادت می‌کنیم اثر پیرزاد و سرخ و سیاه استاندال» (مزاری: ۱۳۹۴) چاپ شده است که تحلیل‌های اسطوره‌ای آن در بخش سرخ و سیاه حول محور شخصیت مادام دوره‌نال انجام شده، سایر شخصیت‌ها و رئالیسم اثر مطلقاً محل بحث نیست؛ اما مقاله‌ای که در آن تحلیل شخصیت ژولین، محور پژوهش قرار گرفته، «خشم ژولین در سرخ و سیاه اثر استاندال» (جوزدانی، ۱۳۸۸) است که منشأ رفتارهای خشم‌آلود ژولین، خانواده و جامعه معرفی می‌شود. این پژوهش در تحلیل تأثیر جامعه بر سرنوشت ژولین با مقالهٔ اخیر اشتراکات و تشابهاتی دارد؛ اما از جهت تعریف مدل و منطقی که شخصیت رئالیستی در قالب آن به تجربهٔ زندگی و مرگ می‌رسد، همچنین در تحلیل وقایع تاریخی رمان و ارتباط آن با سرنوشت ژولین، انفعال شخصیت رئالیستی در برابر مجموعه عوامل اجتماعی، تحلیل‌های تازه‌ای ارائه کرده است.

از میان مقاله‌های فرانسوی، چند مقاله که با نگاهی علمی و تدقیقی نگارش یافته و با استقبال همراه بوده‌اند مطالعه شد؛ هرکدام از این مقالات زوایای مختلفی از رمان سرخ و سیاه را بررسی کرده‌اند؛ مقالهٔ ارزشمند «مونولوگ درونی در سرخ و سیاه» نوشتهٔ «دومینیک تروایه» به مسألهٔ خودگویی شخصیت‌های داستان پرداخته است؛ این مقاله بر آن است که بخشی از مسائل روانی و زمینه‌های اعمال داستانی بی‌آنکه به‌وسیلهٔ نویسنده نشان داده شود، از طریق خودگویی شخصیت‌ها و به‌ویژه قهرمان

داستان منتقل می‌شود.

آلبرت سوئنفیلد، در مقاله ارزشمند «رمانتیسیم (یا آبرونی): نقل قول‌های کوتاه سرخ و سیاه» با تکیه بر نقل قول‌های کوتاهی که استاندال از نویسندگان کلاسیک و رمانتیک پیش از خود، در مدخل هر فصل رمانش آورده، ویژگی‌های رمانتیک سرخ و سیاه را مبتنی بر نوعی آبرونی بررسی کرده است. «اگزایوه بوردونه» در مقاله «سرخ و سیاه در ۱۸۳۰»، «برگ برنده»، رمان «غول‌آسان» داستان را با تکیه بر وقایع‌نگاری سیاسی - اجتماعی قرن نوزدهم بررسی کرده، رمان را سرشار از دلسری، سیاهی، نومییدی و آن را مکتب نارضایتی معرفی کرده است. همچنین به نقد آن پرداخته و در پایان شیوه نگارش استاندال را قضاوت کرده است.

«کلارک.ام.زلوچیف» در مقاله «ژولی‌ین سورل قهرمان کورنلی» به ژولی‌ین به‌عنوان قهرمان تراژدی پرداخته و جلوه‌های تراژیک رمان را تحت اصطلاح کورنلی؛ یعنی سبک پیر کورنی - نویسنده قرن هفدهم فرانسه - تشریح کرده است.

## ۱-۲. پرسش‌ها

نوشته حاضر برای پاسخگویی به این سؤالات، به تحلیل رمان سرخ و سیاه پرداخته است:

- طبق قواعد رئالیسم، ارتباط قهرمان سرخ و سیاه با اجتماع چگونه تبیین می‌شود؟
- شرایط اجتماعی در تعیین کیفیت زندگی و سرنوشت ژولی‌ین سورل چه تأثیری دارد؟
- در کشمکش و جدال بین تلاش‌های قهرمان و جبر اجتماعی، کدام نیرو زندگی قهرمان را می‌سازد؟
- منشأ انگیزه‌ها، خواسته‌ها و تلاش‌های قهرمان، علایق و کشش‌های درونی و فطری اوست یا ایده‌آل‌ها و ارزش‌های اجتماع پاریس؟
- «انتخاب» و اراده شخصیت در رمان رئالیستی چه جایگاهی دارد؟
- منطق شخصیت ژولی‌ین سورل طبق چه الگوهای طراحی شده است؟
- نتیجه طبیعی این الگوها با گره‌گشایی رمان چه ارتباطی دارد؟

## ۱-۳. هدف و ضرورت پژوهش

براساس پیشینه‌ای که ذکر شد، تاکنون پژوهشی درباره تحلیل شخصیت‌های رمان سرخ و سیاه برپایه منطقی که در رئالیسم مطرح است، انجام نشده است. این مطالعه از آن جهت ضروری به نظر می‌رسد که قوی‌ترین عنصر سازنده رئالیسم، بازنمایی نوعی روابط علیّ معلولی یا نوعی منطق رئالیستی بین

جامعه با تمام پدیده‌های موجود در آن است و منطق رئالیستی، مبنای اصلی حادثه و شخصیت در رمان سرخ و سیاه محسوب می‌شود. به همین دلیل با تحلیل این اثر، رابطه علیّ و معلولی میان سرنوشت شخصیت و حوادث اجتماعی-تاریخی، در قالب شخصیت اصلی-ژولی ین سورل- و جامعه طبقاتی پاریس قرن نوزده، به خوبی نمایان می‌شود.

#### ۱-۴. روش پژوهش

این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، داده‌های سامانه‌های پژوهشی فارسی و با شیوه توصیفی-تحلیلی تهیه شده است.

#### ۲. تحلیل منطق شخصیت رئالیستی در رمان «سرخ و سیاه» استاندال

برای مطالعه و تحلیل جزئیات منطق رئالیستی در شخصیت رمان سرخ و سیاه لازم است ابتدا تقابل‌های سازنده منطق شخصیت در این اثر مشخص شود، سپس مؤلفه‌های رئالیستی در شخصیت ژولی ین سورل بررسی و در پایان تحلیل شخصیت ژولی ین با استفاده از نتایج تحلیل‌های دو بخش آغازین انجام شود.

#### ۱-۲. بررسی تقابل‌های سازنده منطق شخصیت در رمان سرخ و سیاه

«تقابل» در رمان سرخ و سیاه برجسته‌ترین عنصر سازنده پی‌رنگ داستان و منطق شخصیت است. منظور ما از اصل تقابل، تفاوت‌های مربوط به شرایط و محیط است که شخصیت داستان را مقابل آن‌ها قرار می‌دهد. به همین دلیل پیش از بررسی تحلیلی داستان لازم است نمودهای «تقابل» را نشان دهیم و آن را در روند داستان مشخص کنیم تا تحلیل نهایی مؤثرتر انجام شود.

#### ۱-۱-۲. تقابل خانوادگی

ژولی ین از نظر فیزیکی دارای اندامی لاغر و ضعیف و فاقد قدرت بدنی دیگر برادران خود است (درستی جثه آنان به غول تشبیه شده است)، دست‌های ظریف او و تن نزار و تکیده‌اش هرگز مناسب کار بدنی و شغل پدری‌اش؛ یعنی چوب‌بری نیست. از این جهت پدرش باباسورل، او را به دلیل تفاوتش با پسران دیگرش بسیار سرزنش می‌کند (استاندال، ۱۳۸۲: ۲۸). اولین تقابل ژولی ین در زندگی، تقابل اوست با خانواده‌اش. او هرگز خانواده‌اش را دوست ندارد (همان: ۲۸).

#### ۲-۱-۲. تقابل فرهنگی

ژولی ین متعلق به خانواده‌ای است که تنها هدف زندگی را پول‌درآوردن می‌داند. محبت در این نوع خانواده کم‌ترین نمود بیرونی خود را دارد. پدر به فرزندش ابراز محبت نمی‌کند و او را تنها از این

جهت ارزشمند می‌داند که نیروی کار و منبع درآمد باشد (همان: ۳۵). از این روست که وقتی ژولی‌ین وارد خانواده دوره‌نال می‌شود، با آگاه‌شدن از محبت و صمیمیتی که در این خانواده - مخصوصاً محبت مادام به پسرانش - وجود دارد (همان: ۴۴)، احساس نیاز به محبت در وجودش غلیان می‌کند. این تقابل فرهنگی در انواع اقتصادی، پوشش، ادبیات، گفتار و رفتار خود را نشان می‌دهد.

### ۲-۱-۳. تقابل محیطی

شهرستان و پاریس؛ محیط شهرستان به‌ویژه وریر با مرکز کشور؛ یعنی پاریس بسیار متفاوت است. آقای دوره‌نال در برابر سرمایه‌داران بزرگ پاریسی تنها یک خرده‌مالک بیش نیست. از این رو تفاوت محیط کوچک محل زندگی قهرمان داستان با محل زندگی دوره‌نال و سپس محیط بزانشون که محل تحصیل علوم مذهبی است و پر از طلاب ریاکار است و محیط سوم؛ یعنی پاریس و منزل مارکی دولامول بسیار شگرف و اساسی است. تقابل سه محیط متفاوت، برخورد‌های متفاوتی را در ژولی‌ین برمی‌انگیزد. این واکنش‌ها محصول قرار گرفتن او در «اجتماع»‌های متفاوت است.

### ۲-۱-۴. تقابل فکری

ژولین در ابتدا تصمیم دارد مانند ناپلئون بناپارت یک ارتشی نامدار شود (همان: ۳۵). او ناپلئون را دیوانه-وار دوست دارد و مانند هر نوجوان دیگری از طبقه کارگر شخصیت او را می‌ستاید؛ اما در خلال داستان به سمت شغل روحانیت می‌رود (همان: ۳۶) و با ورود به محیط بزانشون تصمیم می‌گیرد کشیش شود (همان: ۲۲۷). با آن‌که هم از کشیش‌ها بدش می‌آید و هم از سیاست‌مداران.

### ۲-۱-۵. تقابل اجتماعی

تقابل اجتماعی تبیین‌کننده و ایجادکننده تقابل ارتباطی است. از این روست که ارتباط ژولی‌ین با اجتماع سرمایه‌داری - که نمونه اولیه آن منزل مسیو دوره‌نال است - او را در نوعی سردرگمی و شوک رفتاری فرو می‌برد. او خود را بسیار متفاوت از ایشان می‌داند و خود کم‌بینی او گاهی باعث می‌شود از رفتارهای بسیار معمولی ایشان نوعی تبختر دریافت کند و گمان کند که معنی آن رفتارها تحقیر اوست. این تقابل دو نوع زیست در دو محیط متفاوت است. با آن‌که جامعه کوچک وریر هر دو خانواده سورل و دوره‌نال را در کنار هم دارد؛ اما در اجتماعی بزرگ‌تر مانند پاریس و محیط زندگی مارکی دولامول، ژولین بیش از گذشته خود را کوچک می‌بیند (همان: ۴۰۸). به همین دلیل است که واکنش‌های او نسبت به ماتیلد و واکنشی مانند زیردست به بالادست است. این تقابلات اجتماعی در اوج خود به تراژدی

ختم می‌شود. اعدام ژولی‌ین؛ یعنی نفی و حذف طبقه کارگر به وسیله طبقه سرمایه‌داری (همان: ۶۴۵).

## ۲-۱-۶. تقابل ارتباطی

اولین ارتباط شکل گرفته ژولی‌ین، با طبقه کارگری، با پدر و برادرانش؛ یعنی نمادهای این طبقه است. پس از آن این ارتباط با اجتماعی متفاوت؛ یعنی اجتماع اشراف در خانه مسیو دوره‌نال عوض می‌شود، ارتباط او در اجتماع کشیشان بیزانسون و دوستی او با دو کشیش به نام‌های شلان و پیرار به ارتباط نزدیک او با اجتماع متفاوت روحانیان می‌انجامد. البته پیش از همه ارتباط او با یک پزشک ارتش، نوع نگاه او را نسبت به آینده‌اش عوض کرده، او را شیفته ناپلئون کرده بود. ارتباط او با جامعه پاریس و حضورش در خانه مارکی دولامول و رابطه‌اش با ماتیلد دولامول یک ورق دیگر از تحول او در این تقابل محیطی است.

ارتباط قهرمان با پدر، مادام دوره‌نال و ماتیلد یکسان نیست. او از پدرش متنفر است، به همان میزان که از خودش بدش می‌آید. این مسأله در روانشناسی شخصیت وی و روشن کردن اعمال او در عمل داستانی<sup>۴</sup> بسیار مهم است. این تقابل با پدر؛ یعنی تقابل یک طبقه با خودش، با گذشته و میراثی که از او به جا مانده، ژولی‌ین نقطه مقابل پدر بی‌سواد، پول‌پرست و بی‌ارزش خود است. به همین دلیل است که طرفدار جمهوری خواهی و دل‌سپرده شخصیت ناپلئون بناپارت است.

بخشی از علاقه ارتباطی او به مادام دوره‌نال به سبب حس مادرانه اوست و نیازمندی ژولی‌ین به مادری که هرگز نداشته و محبتی که هرگز ندیده و احترامی که هرگز از آن برخوردار نبوده است. از این‌روی حتی وقتی به مادام دوره‌نال شلیک می‌کند و زندانی می‌شود، با دیدن دوباره او تمام احساسات گذشته در دلش زنده می‌شود. این ارتباط به نوعی تقابل ارتباط مادر-فرزندی است.

همچنین رابطه او با ماتیلد-همسرش و دختر مارکی دولامول-نوعی دیگر از تقابل دو طبقه متفاوت است. ماتیلد نماینده و سمبل اشرافیت و سلطنت‌طلبی است و ارتباط ژولی‌ین با او؛ یعنی تقابل فقر و ثروت، جمهوری خواهی و سلطنت‌طلبی.

## ۲-۲. بررسی مؤلفه‌های رئالیستی در شخصیت

### ۲-۲-۱. مکان / جامعه

اولین نشانه تضاد طبقاتی در داستان، نزدیکی کارگاه چوب‌بری پدر ژولی‌ین به دیوارهای خانه اشرافی



شهردار وریر است (همان: ۱۰)؛ مکانی که به زودی ژولی ین سرنوشت محتوم خویش را (اعدام) از آنجا ورق خواهد زد. نشان دادن تضاد طبقاتی در رئالیسم مستلزم رعایت این نکته است که نقاط پنهان روابط انسان‌های متعلق به هر طبقه توصیف و ارتباط طبقات با یکدیگر نشان داده شود تا این تضاد به درستی در داستان نمود پیدا کند (فاطمی، ۱۳۴۳: ۵۵). وقتی قهرمان داستان برای نخستین بار خود را در حضور زن شهردار؛ یعنی مادام دوره‌نال می‌یابد، مخاطب داستان از طریق توصیف نویسنده از وضعیت و حالات درونی شخصیت خجول و بی‌اعتماد به نفس و همچنین وضع ظاهری آشفته و پوشش نامناسب او و در موازات آن توصیفات لباس چشمگیر و عطر خوش و زیبایی کم‌نظیر خانم دوره‌نال، تفاوت آشکار دو نمونه از دو طبقه فرادست و فرودست را به راحتی تشخیص می‌دهد (استاندال، ۱۳۸۲: ۴۲-۴۱)؛ اما این به تنهایی کافی نیست. نویسنده رئالیست تنها در پی نشان دادن این تفاوت و تضاد نیست، بلکه می‌خواهد با تکیه بر اصل بسیار مهم «رابطه» و «اجتماع» چهره واقعی این تضاد را به نمایش بکشد. مخاطب از طریق ورود ژولی ین به طبقه بورژوازی به مسائلی پی می‌برد که در قضاوت نهایی‌اش تأثیر خواهد کرد. دست‌یابی به ثروت و قدرت، زیبایی و رفاه آرمان تمامی جوانان طبقه کارگر است، و در گام اول ژولی ین سورل تهی دست را مقهور خود کرده است؛ اما به زودی خواننده درمی‌یابد که این ثروت و آرامش طبقه مرفه، در پس این نقاب جذاب اصلاً دوست‌داشتنی و زیبا نیست. طبقه بورژوازی، طبقه روحانیون کلیسا و طبقه سیاسیون فرانسه با پیشرفت داستان و حضور ژولی ین در موقعیت‌های مربوط به هر طبقه، نشان‌دهنده این واقعیت هستند که هر کدام از افراد متعلق به این طبقه برای تثبیت جایگاه خود، بسیاری از افراد فرودست را لگدکوب آمال جاه‌طلبانه خویش کرده‌اند. طبقه بورژوازی با رانت‌خواری، دروغ و ریا، فساد مالی و اخلاقی، پایمال کردن حقوق زیردستان - حتی یتیم‌خانه‌ها - به دنبال به دست آوردن منافع بیشتر است (همان: ۱۸۹-۱۸۸) کسانی که به گفته ژولی ین در موقع اعدامش، صدمبار بیشتر از او به حال اجتماع ضرر دارند (همان: ۶۶۷). مخاطب با دانستن این واقعیت دیگر نمی‌تواند دلفریبی بیش از اندازه رفاه و آسایش این طبقه را دوست بدارد. علاوه بر این، به دلیل درک این نوع «ارتباط» در «اجتماعات» فرودست و فرادست است که با ژولی ین همراه شده، فقر و تهی‌دستی و نداشتن اعتماد به نفس او را سرزنش نمی‌کند.

ژولی ین ساده‌دل به زودی پی خواهد برد که برای ماندن در طبقه سرمایه‌داری کاری جز پایمال کردن حقوق کارگران ندارد و برای پیشرفت در طبقه کلیسایان هیچ عملی به اندازه دروغ و ریاکاری نمی‌تواند مفید باشد. وی در عین حالی که نفرت خود را از طبقات ثروتمند اجتماع ابراز می‌-

کند، هم‌زمان تلاش می‌کند به یکی از آن‌ها تبدیل شود؛ زیرا فقر و تهی‌دستی برای این جوان سرکوب‌شده چیزی جز شرمساری و بی‌هویتی و محرومیت و تحقیر نداشته است. بنابراین تلاش او برای به‌دست آوردن ثروت و قدرت به انجام اعمالی منجر می‌شود که خود اعتراف می‌کند انسانی نیست.

رئالیسم بر اصل «اجتماع» استوار است، با آن‌که فردیت شخصیت در داستان تثبیت می‌شود؛ اما برای نمونه‌ای از یک طبقه، درگیری‌ها و کشمکش‌های این فرد با اجتماعی که می‌تواند طبقه خودش و یا طبقه دیگر و یا کل جامعه باشد نشان داده می‌شود (فاطمی، ۱۳۴۳: ۶۰).

استاندال در رمان سرخ و سیاه چگونگی استثمار طبقات محروم جامعه فرانسه را به وسیله زمین‌داران، کشیشان و سرمایه‌داران گردن‌کلفت به زیبایی در خلال حضور شخصیت اصلی داستان در سه مکان وریر، بزانسون و پاریس به تصویر کشیده است. به همین دلیل است که ریشه سرنوشت دردناک ژولی‌ین را باید در «اجتماع» جست؛ زیرا از نظر نویسنده رئالیست، انسان محصول اجتماع خود است و خوبی و بدی طبقات پیش از آن‌که به افراد آن‌ها بستگی داشته باشد مربوط به کل جامعه است. چه؛ انسان موجودی اجتماعی و دارای رابطه مستقیم با جامعه خود است (پرهام، ۱۳۶۲: ۳۶).

## ۲-۲-۲. موضوع

موضوع در داستان‌های رئالیستی، باید در رده موضوعات حیاتی عصر نویسنده باشد (همان: ۳۹)؛ چرا که هدف اصلی رئالیسم که پرداختن به «روابط» انسانی در «اجتماع» است، زمانی محقق می‌شود که موضوع اثر از درد، حس، مسأله و یا مشکل مشترک گروه کثیری از افراد اجتماع سخن بگوید (همان: ۵۲). از همین رو ژولی‌ین تیپ و نمونه‌ای از جوانان دوره رستوراسیون یا بازگشت (رژیم فرانسه از ۳۰-۱۸۱۴ که طی آن دو پادشاه از خاندان سلطنتی بوربن؛ یعنی لویی هجدهم و شارل دهم به سلطنت رسیدند) است که با داشتن نبوغ و قابلیت، نمی‌توانستند جایگاه شایسته‌ای در سیاست مسلط بورژوازی عصر بعد از انقلاب به‌دست آورند. در نتیجه آن‌چه به پیشواز آنان می‌آید آغوش مرگ و حکم اعدام است.

استاندال با آن‌که پیرنگ داستان را بر پایه یک حادثه واقعی منتشر شده در روزنامه بنا کرده است؛ اما شخصیت اصلی داستان می‌تواند نظایر زیادی در جامعه داشته باشد (کلن، ۲۵۳۵: ۱۶).

## ۲-۲-۳. عشق

با این‌که سرخ و سیاه سرشار از جلوه‌های دلدادگی است؛ اما ذکر این نکته مهم است که از نظر یک

نویسنده رئالیست، عشق آن سحرانگیزی و اهمیت فوق‌العاده دوره‌های کلاسیسیسم و رمانتیسم را ندارد و به تنهایی موضوع خلاقیت ادبی قرار نمی‌گیرد (فاطمی، ۱۳۴۳: ۵۶)؛ زیرا هم‌چنان که شخصیت‌های آثار رئالیستی به آسانی می‌توانند افرادی از طبقات فرودست، حتی کم‌اهمیت باشند، موضوعاتی چون فقر، قتل، حرص و طمع و غیره نیز به میزان عشق می‌تواند اصالت داشته باشد.

## ۲-۲-۴. تیپ‌سازی

تیپ‌سازی در رئالیسم به معنی نشان‌دادن وجوه تمایز یک فرد از افراد دیگر اجتماع نیست، بلکه شخصیت تیپیک - مانند ژولی‌ین سورل - گذشته از این که دارای ویژگی‌های خاص ذاتی خویش است، که در بسیاری موارد آن را نسبت به دیگر افراد - به لحاظ فضیلت یا رذیلت - متمایز می‌کند، وجود خصوصیات طبقه خود را نیز به وضوح نشان می‌دهد. این مسأله تثبیت‌کننده دو اصل «رابطه» و «اجتماع» است. «هر شخصیت تیپیک به نوعی مشتقی است از نیروهای اجتماعی. شخصیت تیپیک قهرمان مجموعه ویژگی‌های تعیین‌کننده عمده محیطی است که خود قهرمان محصول آن است و از طریق او و شخصیت مشخص اوست که ویژگی‌های آن محیط آشکارا نمایانده می‌شود» (دقیقیان، ۱۳۷۱: ۲۸)؛ چرا که «تیپ زائیده تحولات و تمایلات اجتماعی است که در وجود افراد تجسم یافته است» (پرهام، ۱۳۶۲: ۵۰).

پرسوناژپردازی در تیپ‌سازی مستلزم رعایت اصل باورپذیری در جریان منطق داستان است. شخصیت نباید با چنان گزینش و یا حذفی شکل گرفته باشد که تپیی بسیار متفاوت با طبقه خود بگیرد و از آن جایی که روابط او با دیگران معلول ذهنیات، باورها، ذات او و تجربیاتی است که از طبقه خود به ارث برده، باورپذیری اعمال داستان<sup>۵</sup> در گرو صحت شخصیت‌پردازی است (پرهام، ۱۳۶۲: ۵۲). ژولی‌ین به‌عنوان شخصیت تیپیک داستان سرخ و سیاه، آمیزه‌ای است از ویژگی‌های پر از آشفتگی فرانسه بعد از امپراتوری ناپلئون بناپارت، که زندگی در معنای واقعی کلمه در پول خلاصه شده است. با توجه به ویژگی‌های همین محیط دردآور است که تضاد طبقاتی در بالاترین حد خود سرنوشت شخصیت داستان را رقم می‌زند. اعدام ژولی‌ین نتیجه «روابط» چنین «اجتماعی» است و از طرفی دیگر به وسیله همین سرنوشت دردآور است که «روابط اجتماعی» انسان‌های داستان آشکار می‌شود.

## ۲-۲-۵. تحول شخصیت

اصل قابل توجه دیگری که در مکتب واقع‌گرایی مطرح است تحول شخصیت‌های این گونه آثار است. شخصیت‌های اصلی از ابتدا تا انتهای داستان یک شکل نیستند (پرین، ۱۳۸۷: ۵۵)، بلکه با توجه به شرایط و محیطی که در آن قرار می‌گیرند (اجتماع) عکس‌العمل‌هایی متناسب با آن شرایط از خود بروز می‌دهند و خوی و خصلتشان دچار دگرگونی می‌شود و دست به اعمالی می‌زنند که نشان‌دهنده تحول آن‌ها در خلال موقعیت‌ها و «روابط» گوناگون است. ژولی‌ین نمونه بارز این تحول است. پسر ساده‌روستایی تهی‌دست پس از ورودش به خانه شهردار دچار لایه‌هایی از تغییر می‌شود که مقدمه‌ای است برای تغییری بزرگتر که در پاریس باید بر خود تحمیل کند. زندگی او در خانه مارکی دولامول و ارتباطش با ثروتمندان پاریسی گویای تغییرات روحی و فکری این جوان بلندپرواز است. بلندپروازی‌های جوانان شهرستانی در ادبیات فرانسه مضمون آثار دیگری هم‌چون «آرزوهای بر بادرفته» و «باباگوریو» اثر اونوره دوبالزاک نیز بوده است.

## ۲-۲-۶. توصیف

بخش زیادی از تلاش‌های نویسنده رئالیستی معطوف به توصیف دقیق مکان‌ها، اشخاص، حالات و گفتارهاست (پرهام، ۱۳۶۲: ۳۶-۳۵). این مسأله به‌ویژه در رئالیسم دوره نخست؛ یعنی زمان استاندال و بالزاک نقشی محوری در پیش‌برد داستان دارد. استاندال در توصیف شهرستانی که ژولین در آنجا زاده شده و رشد کرده، خانه آقای شهردار؛ یعنی محلی که آینده او از آنجا شروع می‌شود سپس مدرسه طلاب، اجتماع پاریس و نحوه معاشرت و زندگی در پایتخت، دربار و مسائلی که در دربار جاری است، خانه مارکی دولامول، انواع میهمانی‌ها، نوع معاشرت‌ها، حد و حدود روابط، حتی روابط اجتماعی و نوع برخورد با مسائلی از قبیل جرم، گناه و به‌ویژه زندان و دادگاه بسیار دقیق و با جزئیات عمل کرده است. توصیفات او اگرچه گاهی زائد به‌نظر می‌رسد؛ اما از بستر همین توصیفات مفصل و دقیق است که انگیزه‌های روانی و زوایای پنهان شخصیت قهرمان داستان بر ما آشکار می‌شود و زمینه عمل و منطبق رفتارهای او بازنمایانده می‌شود. افزون بر این صحنه‌پردازی محصول توصیف دقیقی است که آثار بزرگ رئالیستی ارائه می‌کنند. در رمان سرخ و سیاه، ژولی‌ین باوجود تلاش‌های ماتیلد و دوستش فوکه و همچنین خانم دوره‌نال مبنی بر رهایی‌اش از زندان، برای تجدیدنظر در حکم دادگاه اقدام نمی‌کند و در روز محاکمه نفرت خود را نسبت به طبقه سرمایه‌داری اعلام می‌دارد. نتیجه محاکمه روشن است: سر ژولی‌ین با گیوتین قطع می‌شود. صحنه‌های درخشانی همچون حضور محکم ژولی‌ین

در دادگاه و نطق خالصانه و نبوغ آمیز او در جمع تماشاگران، پایان تراژیک و دردناک رمان، تشییع اساطیری سر بریده ژولین، اقتدار و سرافرازی ماتیلد و بارداری پنهان او از نتایج اساسی توصیفات سرخ و سیاه است.

### ۲-۲-۷. نگرش سیاسی - ایدئولوژیک

ژولی ین سومین پسر سورل نجار است که به همراه خانواده اش در شهرستان وریر زندگی می کند. او متعلق به طبقه کارگر جامعه فرانسه در دوران بازگشت سلطنت و شکست انقلاب است. وضعیت جسمی وی؛ یعنی ضعف و لاغری باعث شده توان انجام کارهای سخت بدنی را نداشته باشد. به همین دلیل پدرش همیشه او را متهم به تنبلی و بی عرضگی می کند. پدر و برادرانش از او متنفرند و او هم از آن ها بیزار است. تنها علاقه او مطالعه است، هوشی فوق العاده و حافظه ای عجیب دارد به حدی که کتاب مقدس را به زبان لاتین از حفظ است و به لطف مطالعاتی که انجام داده از سواد بالایی برخوردار است. نبوغ او تاحدی است که همه را به تحسین وامی دارد. افزون بر این ها او جوان بسیار خوش سیم و جذابی است.

اما آنچه نویسنده در پس توصیفات و امتیازهای این جوان شهرستانی متذکر می شود این است که برای جوانان طبقات فرودست و شهرستانی، پیشرفت خاصی وجود ندارد؛ زیرا جامعه سنگدل سرمایه داری بی رحم تر از آن است که اجازه دهد طبقات فرودست به طبقات فراتر راه یابند. به همین دلیل اگر جوان لایق و نابغه ای مثل ژولی ین که هیچ آشنایی در محافل اشرافی پاریس ندارد و به هیچ گروه سیاسی قدرتمندی وابسته نیست، بخواهد وارد جامعه شود، لازم است وابسته افراد متنفذ و سرمایه دار شود. استاندال به نیکی واقف است که پس از بازگشت سلطنت، دیگر شخصیت برجسته ای مانند ناپلئون بناپارت که خود از طبقات فرودست جامعه بود برنخواهد خاست و چیزی که بیش از همه او را متأسف و خواننده را متأثر می کند، نیرو گرفتن روزافزون سلطنت طلبان و به حاشیه رانده شدن جوانان شایسته طبقات پایین اجتماع است. نویسنده رمان، تقدیر ژولی ین را که تیبی است از هزاران نمونه ممکن در جامعه آن روز فرانسه، بر این واقعیت تاریخی استوار کرده که الگوی قهرمان در سایه قدرت اشراف زادگان سلطنت طلب فرانسه محکوم به شکست است و تنها در زیر گیوتین ممکن و یا تکرار می شود. دیدگاه نهایی نویسنده تکیه بر انقراض انسان های بزرگ و اراده های آهنین در عصر بورژوازیها دارد. بنابراین باید گفت این اثر بازتاب جهان بینی استاندال در مواجهه با سقوط انقلاب و بازگشت سلطنت بورژوازیها (رستوراسیون) است.

## ۲-۳. تحلیل شخصیت

نقطه کانونی پیرنگ رمان سرخ و سیاه همان تراژدی اعدام قهرمان داستان است. استاندال قهرمانش را جوری شکل داده و شرایط و مسائل را به شکلی درکنار هم چیده که با تحلیل شخصیت، به روشنی آشکار می‌شود که زمینه‌های روانی مرگ در قهرمان از پیش وجود داشته است. ما در این بررسی برآنیم تا انگیزه‌ها و لایه‌های پنهان کنش شخصیت را نشان دهیم و عواملی را که باعث ایجاد آن نقطه کانونی شده تحلیل کنیم. بنابراین مجموعه عواملی که باعث به وجود آمدن آن منطق پنهانی می‌شود که شخصیت را به کنش و انفعال وامی‌دارد، منطق شخصیت در نظر گرفته‌ایم.

## ۲-۳-۱. زمینه‌های اجتماعی

ژولی‌ین پیش از آنکه قربانی افراط و زیاده‌خواهی خودش باشد، قربانی بورژواهای ثروتمند و حسودی است که در جولای ۱۸۳۰ به پیروزی رسیدند؛ بدین ترتیب مسئولیت سرنوشت ژولی‌ین به‌نوعی برگردن جامعه است. البته می‌توان از نگاهی دیگر نیز به سرنوشت دردناک این جوان ناکام پرداخت. تیراندازی وی به خانم دورنال و تمایل به خودکشی‌اش، از طریق گفت‌وگوهایش با هیئت منصفه در روز محاکمه و زمانی که درخواست بخشش را رد می‌کند، به‌نوعی بدین مسأله قابل تأویل است که ژولی‌ین به انتخاب آگاهانه خود در پی کسب افتخار است. این دیدگاه نیز به تأثیر جامعه بر سرنوشت ژولی‌ین تأکید می‌کند. اگرچه اقتدار قهرمان را به وی باز می‌گرداند و او را بخش فعال در سرنوشتش نشان می‌دهد تا اینکه یک قربانی منفعل باشد. ژولی‌ین در واقع مرتکب خودکشی می‌شود تا خود را از جامعه دور و جدا کند و در این راه نیز پیروز می‌شود.

ژولی‌ین روح خود را از جاه‌طلبی‌ها و آرزوهای خرد و کوچک رها می‌سازد، استقلال خود را از جامعه اعلام می‌کند و برای سرنوشت خود تصمیم می‌گیرد. او حکم مرگ خود را با تقبیح اتحاد نامقدسی که بین کلیسا، طبقه نجیب‌زادگان و بورژواها وجود دارد، به‌طور رسمی اعلان می‌دارد. پاسخ دوباره این است که در واقع جامعه ژولی‌ین را کشت.

## ۲-۳-۲. زمینه‌های خانوادگی

بازدارندگی و نسبت‌های توهین‌آمیز فراوان خانواده به ژولی‌ین و بررسی اینکه ترس چگونه در پسر جوان کم‌کم خود را القاء می‌کند، اینکه چگونه به‌طور دردناکی از دشمنی و کمبود عشق در خانواده خود آگاه است، تمامی این تجربه‌ها بذرهایی است که اندک‌اندک به خشم و تنفیری تبدیل می‌شود که

قهرمان داستان در هنگام مواجهه با هر عمل به ظاهر مانع شونده و یا اهانت آمیز آن را احساس می کند و غرورش که به آسانی کوبیده می شود، بدگمانی های پارانوئیدی و بسیاری ریسک های محاسبه شده یا نشده و نیاز نارسیس گونه اثبات خود به تحت تأثیر قراردادان دیگران و این که با به عهده گرفتن دشوارترین کارها خود را برتر نشان دهد، پشت سر هم در رفتارهای ژولی ین دیده می شود: حال چه این کار حفظ کامل عهد جدید به لاتین باشد (استاندال، ۱۳۸۲: ۴۸) یا گرفتن بالاترین درجه در مدرسه طلاب (همان: ۲۵۴)، یا جرئت گرفتن دست خانم دوره نال در حضور شوهرش در هنگام تاریکی شب (همان: ۹۲)، یا با بالارفتن از نردبان و ورودش به اتاق ماتیلد و خطر سقوط یا دیده شدن را به جان خریدن (همان: ۴۸۰).

در داستان گفته می شود که سورل پیر از پسرش ناراضی است و اینکه ژولی ین را فردی بی ارزش می داند، غالباً نیز او را سگ صفت، بی شرف، مزور ملعون (همان: ۳۰)، حیوان (همان: ۳۱)، شکم پرست (همان: ۳۱) و تنبل ملعون (همان: ۳۵) خطاب می کند. همه این نسبت ها ناروا و منفی است. شیوه صحبت پدر با وی در این موقعیت خاص نشان می دهد که این ناسزاهای کلامی همیشگی اوست. یکبار نیز پدر ژولی ین را روی زمین می کشد و به سوی خانه می برد (همان: ۲۸)، کتکش می زند (همان: ۲۷)، پنجه قوی پدرش را بر شانه هایش احساس می کند که می گوید: بیا پایین حیوان! می خواهم با تو حرف بزنم (همان: ۲۸). سورل پدر از احساس غیرمنتظره ای که شهردار وریر مبنی بر استخدام ژولی ین به عنوان معلم سرخانه بچه هایش به او وارد کرد بدگمان بود؛ اما با این حال این پیشنهاد را فرصت مناسبی دید تا از شر این پسر بی مصرف خلاص شود (همان: ۲۶). سپس با بدخلقی به ژولی ین گفت: «از دست تو آسوده خواهم شد و با این همه، وضع کارخانه ام بهتر خواهد شد» (همان: ۳۱-۳۰). ضمن این که این مسأله را فرصتی برای معامله با شهردار دید و سعی کرد از قبال این پسر پولی به جیب بزند (همان: ۳۴-۳۳).

رفتار برادران بزرگ به مراتب بدتر از رفتار پدر با ژولی ین است. برادرها مدتی پس از استخدام او و دیدن سر و وضع آراسته اش «بر سر او ریخته بودند و به اندازه ای او را زده بودند که بی هوش و خون-آلود بر زمین افتاده بود» (استاندال، ۱۳۸۲: ۵۱).

با خواندن دقیق حرف های ژولی ین می توانیم ببینیم که احساس غالب او این است که نه تنها سزاوار شادی نیست، بلکه حتی سزاوار زنده بودن هم نیست. تمامی این مسائل انعکاس احساس ناشایستگی و بی اهمیت بودن است که از همان ابتدای کودکی با بازدارندگی ها و نسبت های توهین آمیز خانواده

نصیب شده و در کل زندگی‌اش نیز جریان یافته است. این مسأله می‌تواند دلیل این باشد که چرا تلاش‌های ماتیلدا و فوکو برای نجات او در زندان با پیشنهاد ارائه استیناف باعث آزرده‌گی‌اش می‌شد (همان: ۶۵۲).

رفتار توهین‌آمیز خانواده که اساس یک تراژدی روانی را به وجود آورده تا حد زیادی باعث شکل‌گیری تصویر ضعیف ژولی‌ین از خودش می‌شود. به عبارت دیگر احساس بی‌لیاقتی و به‌دردنخور بودن باعث بی‌زاری وی از خودش می‌شود (استاندال، ۱۳۸۲: ۴۷۹ و ۶۲). این عزت نفس پایین معمولاً با غرور سطحی و حتی تکبر همراه است (همان: ۳۲-۳۱). همان‌طور که روان‌شناسان می‌گویند: کودکانی که با خشونت خانگی مواجه هستند «خشم، نفرت، بی‌اعتمادی، احساس درماندگی و حقارت در آنان شکل می‌گیرد» (واعظی، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

سوءاستفاده‌های خانواده نیز ممکن است نیروی محرکه‌ای در پشت این نیاز دائم او برای اثبات به خود و دیگران باشد که او به‌هیچ‌وجه پست نیست. نیازی که باعث می‌شود او کارهای خطرناکی انجام دهد و خود را تهدید کند که اگر موفق نشود خود را بکشد (استاندال، ۱۳۸۲: ۷۷ و ۴۷۹).

### ۲-۳-۳. کودکی

متن با موقعیت‌های مختلف، تفاوت‌های بین ژولی‌ین و خانواده‌اش را آشکار کرده، بر ترس آزاردهنده‌ای که او را شکنجه می‌دهد تأکید می‌کند. دوران کودکی ژولی‌ین دورانی عاری از عشق است و در داستان هیچ اشاره‌ای به مادر یا حتی شخصیتی مادرگونه نمی‌شود تا زمانی که خانم دوره‌نال را ملاقات می‌کند. هیچ‌کس در خانواده او وجود ندارد که در دوران کودکی از او محافظت و مراقبت کرده باشد. او از نظر فیزیکی در مقایسه با پدر و برادرانش حتی در سنی که باید بتواند از خویش دفاع کند نیز قادر به انجام آن نیست، آن‌ها انسان‌های غول‌پیکر و بدجنسی هستند، در حالی که ژولی‌ین جوانی ریزاندام، ظریف و ضعیف و دارای خصلت‌های آسیب‌پذیر است. در کودکی آنقدر رنگ پریده است که پدرش گمان می‌کرد زیاد عمر نخواهد کرد و یا اگر زنده بماند تنها باری بر دوش خانواده خواهد شد (همان: ۲۸).

او در نخستین قدم موفقیت، به‌عنوان معلم سرخانه فرزندان شهردار مشغول به کار می‌شود و در این وهله بسیار مواظب خود است. اگرچه فرزندان شهردار او را دوست دارند؛ اما به خود اجازه نمی‌دهد این عشق زیاد به درونش نفوذ کند. این واکنش، واکنش طبیعی فردی است که در دوران کودکی کسی او را دوست نداشته است. یک کودک آسیب‌دیده به‌طور طبیعی سعی می‌کند تا از خود در برابر



آسیب‌های بیشتر مواظبت کند. بنابراین خود را سرد و منزوی نگه می‌دارد؛ اما زیر این نقاب بی‌احساس، خشم و تنفر او به غلیان می‌آید؛ به‌ویژه در مقابل کسانی مثل آقای والنو که شایع شده از زمانی که مدیر مالی خیریه و کودکان سرراهی شده ثروتش دو سه برابر شده است. ژولی‌ین وقتی به کودکان سرراهی فکر می‌کند سریع ذهنش به سمت خودش می‌رود (همان: ۵۱).

برای کودکی تشنهٔ محبت مثل ژولی‌ین آرزوی موفق شدن از مرزهای بلندپروازی نیز فراتر می‌رود. این نیاز عمیق به شناخت که او هرگز در خانواده‌اش تجربه نکرده، به نیروی محرکه‌ای تبدیل می‌شود که او را به سمت دوره‌ای درخشان و زودگذر پیش ببرد.

این که فکر کردن به ترس برای او نفرت‌انگیز و نیاز به غلبه بر ترس در طول زندگی‌اش کاملاً آشکار است. زخم‌های دوران کودکی‌اش را یادآوری می‌کند. معمولاً پس از احتمال شکست در یک وضعیت چالش‌برانگیز و خطرناک، فرد در صورت دست‌نیافتن به خواست‌هایش خود را تهدید به تنبیه می‌کند و برای افزودن فشار بیشتر، برای خود این شرط را می‌گذارد که باید در یک‌زمان به خواسته‌اش برسد. در موقعیت‌های ذکر شده این تنبیه همان‌گونه که خودش بیان می‌کند خودکشی است (همان: ۷۷، ۴۷۹، ۵۵۶).

اگر به دنبال دلایل عمیق‌تری برای جنایت و مجازات ژولی‌ین باشیم، باید بگوییم فاجعه از ابتدای زندگی‌اش طرح‌ریزی شده بود و بایستی اتفاق می‌افتاد. این دلایل مربوط به احساسات قوی بی‌عشقی و طردشدگی است که دوران کودکی‌اش را مدام تکرار می‌کند، تکراری نهایی و این‌بار مرگبار. حال برای مدتی خاطراتی که از خانم دوره‌نال داشت و مدت زمانی که با او سپری کرد او را متقاعد ساخت که عشق او تنها عشق خالص در زندگی‌اش بوده است. طرد ظاهری او از طریق آن نامه، بایستی بیش از هر طردشدنی به او آسیب رسانده باشد؛ زیرا این طرد از طرف تنها کسی است که او را عمیقاً دوست می‌داشته است. بنابراین خشونت لحظه‌ای را که مرتکب جنایت شد می‌توان درک کرد.

ژولی‌ین هنوز کودکی تشنهٔ محبت است که هم‌چنان نیاز دارد به شناخت، توجه و موفقیت بیشتر تا در این جستجوی بی‌انتهای به پرکردن خلأیی برسد که به دلیل فقدان عشق پدر و مادرش به‌وجود آمده - است. او در زندگی کوتاهش با حرارت و اشتیاق به دنبال آن جایگزین‌ها بوده؛ اما هیچ‌چیز این خلأ را پر نکرد؛ مگر در انتهای محاکمه و صدور حکم مرگ وقتی خانم دوره‌نال با عشق و فداکاری مادرانه به سمت او بازگشت (همان: ۶۵۹-۶۵۵).

او که به شدت تحت تأثیر کارهایی که پدر پیرار برای او انجام داده قرار گرفته است می‌خواهد خود

را در آغوش او بیندازد؛ اما از انجام این کار می‌ترسد. او معتقد است تنفر پدرش از وی یکی از بدشانسی‌های زندگی‌اش است و حقیقتاً در این باره حق با اوست (همان: ۵۹۸)؛ اما چیزی که ژولی‌ین در مورد آن اشتباه می‌کند این است که فکر می‌کند شخصیت پدرگونه پیرار التیام‌بخش این زخم‌هاست.

دو شخصیت پدرگونه‌ای که پیش از این وجود داشته‌اند؛ یعنی پزشک ارتش و پدر شلان، در انجام این کار موفق نبودند. به‌ندرت برای پدر و مادر جایگزین پیدا می‌شود و نداشتن پدر و مادر ضربه روحی کمتری را به نسبت زندگی کردن با یک پدر و مادر سوءاستفاده‌گر به انسان وارد می‌کند.

### ۲-۳-۴. عقده‌های طبقاتی

اما در پس ضعف و آسیب‌پذیری، ژولی‌ین غروری قوی را مخفی می‌کند، غروری همراه با خشم برضد هرکسی که به او ضعف و عقده‌ای را که از فقر و طبقه اجتماعی‌اش به‌وجود آمده، یادآوری کند. مثلاً در بدو ورود به خانه آقای دوره‌نال، وقتی فکر می‌کند ممکن است غذا را با خدمتکاران بخورد ترجیح می‌دهد بمیرد؛ اما این کار را نکند (همان: ۳۱).

او که همیشه نسبت به هر چیزی که درجه پایین و ناشایستگی‌اش را یادآور شود، آسیب‌پذیر و حساس است، بین صرف نظر کردن از غرور خود و نیاز به عشق در نوسان است و هر علامتی را تلاشی در جهت تحقیر خودش تفسیر می‌کند. البته او اشتباه می‌کند. هرگز خانم دوره‌نال او را تحقیر نکرد، بلکه احساس دلسوزی، مهربانی و در نهایت عشقی حقیقی نسبت به او داشت؛ اما عقده طبقاتی و کودکی وی، او را از شناخت تمامی احساسات مثبت باز می‌دارد.

موضوع پر اهمیت دیگر در شکل دادن به سرنوشت ژولی‌ین این است که او ناپلئون را می‌پرستید و او را الگوی خود قرار می‌داد؛ زیرا ناپلئون مانند او از سطح پایینی شروع کرد و با توانایی‌هایی که داشت به توفیق دست یافت.

### ۲-۳-۵. زمینه‌های روانی

او با وجود داشتن نگرانی و ترس شدید، در زمان خاصی که با خود عهد کرده به خواسته‌اش می‌رسد (همان: ۷۴) و موفق می‌شود دستان خانم دوره‌نال را بگیرد (همان: ۷۷). در داستان می‌خوانیم که قلب او ملامت از شادی است؛ اما نه به دلیل این که عشق می‌ورزد یا احساس دوست داشته‌شدن می‌کند، بلکه به این دلیل که او وظیفه قهرمانانه خود را به انجام رسانده است (همان: ۷۹). این یک‌نوع رقابت با

خویشتن است.

در طول رمان نشانه‌های بسیاری می‌بینیم که احساس قهرمان را مبنی بر این که عشق بخشی از تجربه او نیست به اثبات می‌رساند: او بی که هرگز توسط هیچ کس دوست داشته نشده، احساس می‌کند وضعیتی که در خانه‌شان حاکم بوده و در آن هر کس او را اذیت می‌کرده، در خانه شهردار نیز در حال تکرار شدن است؛ اما تنها زمانی که پسر کوچک‌تر خانم دوره‌نال بیمار می‌شود، ژولی‌ین به میزان عشق مادام دوره‌نال نسبت به خودش پی می‌برد؛ اما خود نیز از این که به وجود آورنده چنین عشقی بوده در حیرت مانده است (همان: ۱۵۴).

در ابتدا ماتیلد نیز با تمام زیبایی یگانه‌اش برای ژولی‌ین فرد جذابی به نظر نمی‌رسد (همان: ۱۳۸۲: ۳۲۳ و ۳۷۵) و همانند مراحل ابتدایی رابطه عاشقانه‌اش با مادام دوره‌نال، دوست داشتن ماتیلد را وظیفه خود می‌داند (همان: ۳۷۸ و ۴۱۰). وقتی او می‌فهمد ماتیلد وی را به خواستگاری، جذاب‌تر و اصیل‌زاده ترجیح می‌دهد حس حقارت، رضایتش را تشدید می‌کند. چیزی که به او بیشترین آرامش خاطر را می‌دهد شایستگی شخصیت‌اش است که بر مقام و ثروت برتری دارد (همان: ۴۰۹). در واقع «ماتیلد دو لامول یک سلطنت طلب معتقد صمیمی است... و ژولی‌ین سورل عامی را، ژاکوبنی که ستایشگر ناپلئون است، بر مردان هم‌شان خود ترجیح می‌دهد» (لوکاج، ۱۳۷۳: ۱۰۰).

### ۳. نتیجه

بر اساس قواعد رئالیسم ارتباط بین ژولی‌ین سورل و جامعه، ارتباطی کاملاً علی و معلولی است. جامعه در شکل خانواده، محیط شهرستان، فرهنگ فرانسوی مشهود در پاریس، فرهنگ طبقاتی، فرهنگ اخلاقی و غیره به عنوان عامل اصلی و تأثیرگذار در شکل‌گیری باورها و رفتارهای شخصیت اصلی، در سرتاسر رمان خود را نشان می‌دهد. به طوری که حتی انگیزه‌ها و خواسته‌های درونی قهرمان، به نحوی برآمده از ایده‌آل‌ها و ارزش‌های اجتماعی است و نه صرفاً زاده تمایلات قلبی و استعدادهای فردی ژولی‌ین. بنابراین طبیعی است که در کشمکش شخصیت با جامعه، تلاش‌های قهرمان در برابر جبر خانوادگی، طبقاتی، فرهنگی و تاریخی شکست می‌خورد و زندگی ژولی‌ین با نیروی اجتماعی به سمت مرگ کشیده می‌شود. اگرچه ممکن است رد کردن کمک‌های اطرافیان از طرف ژولی‌ین «انتخاب» و اراده شخصیت تعبیر شود؛ اما با توجه به فضای خانوادگی (کودکی سرشار از نفرت، محرومیت از مهر مادری و تحقیر همیشگی از ناحیه پدر و برادران زورگو و بدجنس) و اجتماعی، چنین

انتخابی شکل دیگری از ناگزیری و قبول جبر طبقاتی است. با این توضیح، به نظر می‌رسد انتخاب و اراده در رمان‌های رئالیستی معنایی ندارد. منطق شخصیت ژولی‌ین سورل با تحقیر شدن، تضعیف شدن، زیاده‌خواهی، هوش سرشار، عواطف قوی، زیبایی ظاهری، تنگدستی توأم با فقر فرهنگی، طراحی شده است. پس رضایت ژولی‌ین به اعدام شدن با گیوتین، یک گره‌گشایی منطقی و معلول علت‌های اجتماعی برشمرده است و ژولی‌ین قربانی طبقه و فرهنگ جامعه خود می‌شود.

### کتابنامه

- اخوت، احمد (۱۳۷۱)، *دستور زبان داستان*، چاپ اول، اصفهان: نشر فردا.
- استاندال، ماری هانری بیل (۱۳۸۲)، *سرخ و سیاه*. عبدالله توکل، چاپ هشتم، تهران: نیلوفر.
- پرهام، سیروس (۱۳۶۲)، *رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات*، چاپ هفتم، تهران: آگاه.
- پریستلی، جی. بی (۱۳۵۲)، *سیری در ادبیات غرب*، ابراهیم یونسی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- پرین، لارنس (۱۳۸۷)، *تأملی دیگر در باب داستان*، محسن سلیمانی، چاپ هفتم، تهران: سوره مهر.
- جوزدانی، زهره (۱۳۸۸)، «خشم ژولین سورل در سرخ و سیاه اثر استاندال»، *مطالعات زبان فرانسه*، سال ۱، (۱)، صص ۳۳-۴۶.
- دقیقیان، شیرین دخت (۱۳۷۱)، *منشأ شخصیت در ادبیات داستانی*، چاپ اول، تهران: مؤلف.
- ده‌بزرگی، غلامحسین (۱۳۸۷)، *تاریخ ادبیات جهان*، چاپ دوم، تهران: زوار.
- سیدحسینی، رضا (۱۳۸۵)، *مکتب‌های ادبی*، ج ۱، چاپ چهاردهم، تهران: نگاه.
- عباسیان، عفت (۱۳۸۹)، «نگاهی به ترجمه‌های رمان سرخ و سیاه استاندال در ایران»، *کتاب ماه ادبیات*، (۱۵۵)، صص ۷۴-۷۷.
- فاطمی، سعید (۱۳۴۳)، «رئالیسم». *مجله وحید*، (۷)، صص ۶۱-۵۰.
- کلن، کریستین (۲۵۳۵)، *تفسیری بر سرخ و سیاه استاندال*، ترجمه: محمدتقی غیاثی، چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
- لوکاج، گئورگ (۱۳۷۳)، *پژوهشی در رئالیسم اروپایی*، ترجمه: اکبرافسری، چاپ اول، تهران: علمی فرهنگی.
- مزاری، نگار (۱۳۹۴)، «مطالعه تطبیقی نمادهای اسطوره‌ای قهرمان زن در عادت می‌کنیم اثر پیرزاد و سرخ و سیاه استاندال». *پژوهش‌های ادب و زبان فرانسه*. سال ۲، (۴)، صص ۱۲۱-۱۴۰.
- واعظی، کبری (۱۳۹۴)، *تجربه زیسته کودکان پیرامون خشونت خانگی*، پژوهش‌های مشاوره، جلد ۱۵، (۵۸).

### References

Abbasian, Efat (1389). "A look at the Translations of Stendhal's Red and Black Novel in Iran". *Book of the Month of Literature*. 155, 74-77.

- Albert Sonnenfeld, «Romantisme (ouironie) : les épigraphes du Rouge et le Noir» ,Stendhal-Club, No 78, 1978, p. 143-154.
- Clark M. Zlotchew, « Julien Sorel, héros cornélien », Stendhal- Club, No 88, 1980, p. 359-365.
- Cologne, Christine (2535). *An Interpretation of Red and Black Stendhal*. Translated by Mohammad Taqi Ghiasi. First Edition. Tehran: Amirkabir.
- Daqiqian, Shirindokht (1371). *The Origin of Personality in Fiction*. First Edition. Tehran: Moalef
- Dehbozorgi, Gholamhissein (1387) *History of World Literature*. second edition. Tehran: Zavar.
- Dominique Trouiller, « Le monologue intérieur dans Le Rouge et le Noir », Stendhal-Club, no 43, 1969, p. 245-277.
- Fatemi, Saeed (1343). *Realism*. Vahid Magazine. pp. 50-61.
- Jozdani, Zohreh (2009). "Julien Sorrel's Anger in red and black by Stendhal". *French language studies*. In 33-46, 1.
- Lukacs, Georg (1373). *Research in European Realism*. Translated by Akbar Afsari. First Edition. Tehran: Scientific and cultural.
- Marie de Gandt, *Le Rouge et Le Noire*, Edition breal, 1988, p.21.
- Mazari, Negar (1394). *A Comparative Study of the Mythical Symbols of the Female Heroine we get used to*. Vol2, 4. 121-140.
- Okhovat, Ahmad (1371). *Grammar of the Story*, first edition. Isfahan: Farda Press.
- Parham, Sirus (1362). *Realism and Anti-realism in Literature*. Seventh edition. Tehran: Agah.
- Perrin, Lawrence. (1387). *Another Reflection on the Story*. Mohsen Soleimani. Seventh edition. Tehran: Surah Mehr.
- Priestley, JB (1352). *A look at Western Literature*. Ebrahim Yoonesi. First Edition. Tehran: Amirkabir.
- Seyed Hosseini, Reza (1385). *Literary Schools*. Vol.1. Fourteenth edition. Tehran: Negah.
- Stendhal, Marie Henry Bell (2003). *Red and black*. Abdullah Tawakul. Eighth edition. Tehran: Niloufar.
- Waezi, Kobra (1394). "Children's Life Experiences of Domestic Violence". Consulting Research. Volume 15, Issue 58.
- Xavier Bourdenet, «Le Rouge et le noir en 1830 : « Billet gagnant », roman monstre», presse universitaire de Rennes. www.pur-editions.fr.